آزمون حضوری
شماره پنج

رشته انسانی

خیلی سبز! آزمون
تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۲

AKO
گروه مشاوره و برنامه ریزی آکو

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
زبان عربی	عربی ۱ درس ۷ - صفحهٔ ۷۱ تا ۸۲ عربی ۲ درس ۱ - صفحهٔ ۱ تا ۱۶ عربی ۳ درس ۳ - صفحهٔ ۳۷ تا ۴۳	۲	۶	آریا ذوقی	مریم آقایاری

درس ۷ دهم: معلوم و مجهول

فعل از نظر فاعل داشتن
- معلوم: فعل + فاعل + (مفعول) ← فاعله معلومٌ
- مجهول: فعل + نائب فاعل ← فاعله محذوفٌ

فعل مجهول
- ماضی
  - ـُ ... ـِ ... ← مثال: کُتِبَ ـ اُستُخدِمَ ← نکته: اگر ماضی با ـُ شروع شود ← مجهول است.
- مضارع
  - ـُ ... ـَ ... ← مثال: یُکتَبُ ـ یُستَخدَمُ ← تله: یُفعِلُ، یُفَعِّلُ، یُفاعِلُ (معلوم)
- ترجمه
  - نکته ۱: غالباً با «شد» یا «می‌شود» ترجمه می‌شوند.
  - نکته ۲: فعل مجهول را طوری ترجمه می‌کنیم که با «چه چیزی را» متناسب نباشد. (مفعول نداشته باشد!)
  - مثال: «یُکتَسَبُ» ← کسب می‌کند ☒ چون می‌توانیم بپرسیم «چه چیزی را»!
    - کسب می‌شود ☑
    - به دست می‌آورد ☒ چون می‌توانیم بپرسیم «چه چیزی را»!
    - به دست می‌آید ☑
- فعل‌هایی که مجهول نمی‌شوند
  - لا یُمکن أن یُصبح مجهولاً
    - فعل لازم ← نکته: فعل‌های باب «انفعال» ۱۰۰٪ لازم هستند.
    - افعال ناقصه ← کانَ، صارَ، لَیسَ، أصبَحَ
    - امر مخاطب ← اُکتُب ـ اعلَمْ

نائب فاعل
- تعریف: نائب فاعل اسمی است که جانشین فاعل می‌باشد و در واقع قبلاً مفعول جملهٔ معلوم بوده است.
- روش تشخیص: دقیقاً مانند فاعل، فقط یک کلمه است. (از فعل مجهول می‌پرسیم «چه کسی؟ ـ چه چیزی؟»)
- جایگاه: هرگز قبل از فعل به کار نمی‌رود.
- ویژگی ظاهری
  - جنس: از نظر جنس با فعل مجهول مطابقت دارد!
  - اعراب: مرفوع است. (ـُ ـٌ، ونَ، انِ)
- مثال: تُشاهَدُ هذه المناظرُ کثیراً بسبب جمالها!
  - ترجمه: این منظره‌ها به دلیل زیبایی‌شان بسیار دیده می‌شوند!
  - نائب فاعل: چه چیزهایی دیده می‌شوند؟ این منظره‌ها ← هذه المناظر ← نائب فاعل فقط کلمهٔ اول است. ← هذه

تشخیص فعل مجهول در جمله ← به ترتیب، ۳ مرحلهٔ زیر را اجرا می‌کنیم:

(۱) حرکات فعل ← تُکتَبُ هذه الجملات ← معلوم ☒ مجهول ☑

(۲) پیداکردن مفعول
- اگر مفعول پیدا کنیم ← معلوم ← مثال: نکتب (فعل معلوم) هذه (مفعول) الجملات
  ترجمه: این جملات را می‌نویسیم.
- اگر مفعول پیدا نکنیم
  - یا مجهول ← مثال: سمع صوتٌ.
  - یا فعل لازم (معلوم) ← مثال: اِنتشرت رائحةُ الأزهار.

(۳) ترجمهٔ «شد»/ «می‌شود» ← اگر دو گام قبلی، سؤال را برایمان حل نکرد جمله‌ها را ترجمه می‌کنیم و اگر فعلی با «شد» یا «می‌شود» ترجمه شود آن را مجهول در نظر می‌گیریم. فقط باید حواسمان به برخی فعل‌ها باشد که خودشان با «شد» و «می‌شود» ترجمه می‌شوند. *(اونا دیگه مجهول نیستن!)*

فعل‌هایی که با «شد» ترجمه می‌شوند ← نَزَلَ: نازل شد/ اِنقَطَعَ: قطع شد/ تَحسَّنَ: خوب شد/ اِستَسلَمَ: تسلیم شد/ اِنتَشَرَ: پخش شد/ ذابَ: ذوب شد.

نکته

فعل + ضمیر ← قطعاً مجهول نیست ← چرا؟! چون مفعول دارد.

مثال: یشاهده ← فعل معلوم

مجهول‌کردن جمله

- اول از همه باید فاعل و متعلّقاتش را حذف کنیم!
- سپس مفعول را به نائب فاعل تبدیل می‌کنیم. *(مفعول خودش منصوبه، ما باید مرفوعش کنیم تا بشه نائب فاعل)*
- **تذکر:** اگر مفعول نداشته باشیم، اصلاً نمی‌توانیم مجهول کنیم!
- فعل را مجهول می‌کنیم و مذکّر یا مؤنّث بودنش را با نائب فاعل هماهنگ می‌کنیم!

مثال
- جملهٔ معلوم ← تُسَهِّلُ الأنابیبُ نقلَ النّفط!
- مجهول ← یُسَهَّلُ نقلُ النّفط!

صورت سؤالات مهم و توضیحات فعل‌های معلوم و مجهول

- عُلِم فاعله/ فاعله معروف/ نعرف فاعله/ فاعله لیس محذوفاً/ ذُکِر فاعله/ فعل مع فاعله ...، یُنسَب الفعل إلی الفاعل ← همگی یعنی فعل معلوم
- الفاعل محذوفاً/ حُذف فیه فاعل/ لا نعرف فاعله/ لم یُنسَب الفعل إلی الفاعل/ فعل لیس له فاعل/ له نائب فاعل/ یمکن أن یُقرأ مجهولاً/ المبنیّ للمجهول ← همگی یعنی فعل مجهول.
- فعل یمکن أن یُبنی للمجهول ← چی می‌خواد؟ متعدّی ☑ مجهول ☐
- ما یُمکن تحویله إلی المجهول ← چی می‌خواد؟ متعدّی ☑ مجهول ☐
- فعل یمکن أن یصبح مجهولاً ← چی می‌خواد؟ متعدّی ☑ مجهول ☐
- فعل یمکن أن یکون مجهولاً ← چی می‌خواد؟ متعدّی ☐ مجهول ☑

درس ۱ یازدهم

- اسم تفضیل
  - تشخیص
    - وزن
      - أفعَل (برای مذکرّها) ← مثال ← أکبَر
        - شکل‌های فرعی
          - أفَلّ ← مثال ← أقلّ، أحَبّ
          - أفعیٰ ← مثال ← أعلیٰ، أتقیٰ
          - جمع مکسّر ← أفاعِل ← أکابِر ← تله ← أماکِن، أساوِر
      - فُعلَی (برای مؤنّث‌ها) ← مثال ← کُبرَی، دُنیا
  - «أفعل»هایی که فعل نیستند
    - فعل‌ها ← مثال ← «أعلَمُ: می‌دانم»
    - رنگ‌ها ← مثال ← أحمَر ـ أسوَد ـ أزرَق و ...
    - عیب‌ها ← مثال ← «أبکَم: لال» ـ «أعمَی: نابینا»
  - خیر/ شرّ
    - معنی ۱ ← بهتر، بهترین/ بدتر، بدترین ← اسم تفضیل ✓
    - معنی ۲ ← خوبی/ بدی ← اسم تفضیل ✗
    - معنی ۳ ← خوب/ بد ← اسم تفضیل ✗
    - نکته ← «الخیر» و «الشرّ» (با «أل») اسم تفضیل نیستند!
  - آخَر/ آخِر
    - آخَر (أأْخَر) ← اسم تفضیل ✓
      - مؤنّث ← أُخرَی
    - آخِر (ءاخِر) ← اسم تفضیل ✗
      - مؤنّث ← آخِرَة
  - ترجمه
    - تر (معادل صفت برتری فارسی)
    - ترین (معادل صفت عالی فارسی)
  - کاربرد
    - مقایسه ← فقط بر وزن أفعَل (حتّی برای مؤنّث‌ها)
    - صفت
      - برای مذکّر ← أفعَل ← مثال ← الصَّدیق الأکبر
      - برای مؤنّث ← فُعلَی ← مثال ← الصَّدیقة الکُبری

- اسم مکان
  - وزن‌ها
    - مَفعَل ← مثال ← مَلعَب: ورزشگاه
    - مَفعِل ← مثال ← مَسجِد
    - مَفعَلَة ← مثال ← مَدرَسَة
    - شکل‌های فرعی
      - مَفَلّ ← مثال ← مَقَرّ، مَحَلّ
      - مَفعَیٰ ← مثال ← مَرمَی: دروازه
      - مَفال ← مثال ← مَکان ـ مَدار
    - جمع مکسّر
      - مَفاعل ← مثال ← مَساجِد ـ مَساکِن و ...
      - تله‌ها ← منافِع ـ مکارِم ـ محاسِن و ...
  - تله‌ها
    - بیت، دار، قُربَ، خارج، إیران و ...
    - مِنطَقَة، مِنبَر
  - شرط‌های اسم مکان بودن
    - شرط ۱ ← بر یکی از وزن‌های اسم مکان باشد.
    - شرط ۲ ← معنای مکان داشته باشد و معنای زمان ندهد.

درس ۳ دوازدهم

اسلوب استثناء

- ارکان
  - مستثنی‌منه
    - ۱) اسمی است که معنای کلّی دارد.
    - ۲) معمولاً «جمع» یا «مفرد نکره» است. (لزوماً جمع نیست!)
    - ۳) مستثنی‌منه بودن نقش (محلّ إعرابی) نیست.
    - ۴) گاهی از جمله حذف شده و به کار نمی‌رود.
  - ادات استثنا
    - إلّا
    - تله
      - أنّ (أن + لا) ← روش تشخیص ← «أنّ» بر سر فعل مضارع می‌آید.
  - مستثنی
    - یک اسم و یا جارّ و مجرور است.
    - دقیقاً بعد از «إلّا» می‌آید.
- بودن یا نبودن مستثنی‌منه در جمله
  - جملهٔ قبل إلّا مثبت باشد ← قطعاً مستثنی‌منه آمده است.
  - جملهٔ قبل إلّا منفی باشد ← تشخیص
    - ترجمه
      - ۱) «إلّا» را از جمله حذف می‌کنیم.
      - ۲) جملهٔ باقی‌مانده را به شکل مثبت ترجمه می‌کنیم.
      - ۳) اگر جمله با معنی بود ← مستثنی‌منه حذف شده.
      - ۴) اگر جمله بی‌معنی بود ← مستثنی‌منه آمده است.
    - استفاده از نقش‌ها ← در جملهٔ قبل «إلّا» یک نقش اصلی حذف شده باشد ← مستثنی منه حذف شده
    - روش تستی
      - ۱) اگر اسم بعد از «إلّا» مرفوع باشد ← مستثنی‌منه حذف شده
      - ۲) اگر بعد از مستثنی «مِن» + ضمیر، بیاید ← غالباً مستثنی‌منه آمده است.

ترجمهٔ «إلّا»

- اگر مستثنی‌منه حذف شده باشد
  - به‌جز ← جمله را همان‌طور که هست ترجمه می‌کنیم.
  - فقط ← جمله را به شکل مثبت و مؤکّد ترجمه می‌کنیم.
- مثال
  - لا أقولُ إلّا حقّاً ← (چیزی) جز حق نمی‌گویم ☑
    فقط حق می‌گویم ☑
- اگر مستثنی‌منه حذف نشده باشد ← به‌جز
- مثال
  - لا أقول کلاماً إلّا حقّاً ← کلامی جز حق نمی‌گویم ☑
    فقط حق می‌گویم ☒
- تذکّر ← تحت هیچ شرایطی نباید بین ترجمهٔ «إلّا» و کلمهٔ بعد «إلّا» فاصله بیفتد.
  - مثال
    - لا یقول المؤمن إلّا حقّاً ← فقط مؤمن حق می‌گوید ☒
      مؤمن فقط حق می‌گوید ☑
      کسی جز مؤمن حق نمی‌گوید ☒
      مؤمن چیزی جز حق نمی‌گوید ☑

نکته

- کلمهٔ «سِویٰ» هم مانند «إلّا» به‌معنای «به‌جز» می‌باشد.
- کلمهٔ «إنّما» به‌معنای «فقط، تنها» می‌باشد.